علوم سری و اطلاعات و سوابق نویسنده آن

مظهری، محمد

نویسنده قریب ده سال به تمرینات هیپنوتیزم‏ پرداخته و متجاوز از بیست سال در مجامع مختلف‏ روحی(مانند جلسات منعقده در منزل مرحوم وحید الدوله سعد)شرکت نموده و بدون اینکه شخصا موفق به ارتباط مستقیم با ارواح باشد به حقایقی پی‏ برده که هنوز جنبه علمی پیدا نکرده است.

مطالعات و نظریات اغلب مجامع روحی که در آن شرکت نموده‏ام صرفا جنبه عرفانی داشته و اکثرا ارواحی که با آن جلسات مربوط می‏شدند در دنباله‏ افکار دنیوی خود ضمن ایمان به وجود خداوند یکتا و بقای روح و لزوم مهرورزی نسبت به سایر افراد بشر تعصبات و اختلافات فرعی عقاید مذهبی را ثمره تبلیغات گوناگون و ضد و نقیض مقامات و مبلغین‏ ادیان و مذاهب مختلفه دانسته‏اند.

در محافل روحی دیگری شرکت داشته‏ام که فق با ارواح متعصبین مذاهب مختلفه مربوط بوده و این ارواح هنوز هم برای رد گفته‏ها و تبلیغات مخالفین خود به اقامه دلیل متوسل‏ میشدند و هنوز هم به آن مرحله ترقی و تعالی فکری نرسیده بودند که در سطحی بالاتر یعنی در مرحله‏ عرفان و حقیقت به تفکر بپردازند.

سعادت استقاضه در جلسات روحی دیگری داشته‏ام که صمن وابستگی به شریعت و طریقت و معرفت پایه افکار آنها از حدود فهم و معلومات اغلب متفکرین و فلاسفه عصر حاضر بالاتر بوده و چناچه روزی برسد که طرح و انتشار آن اطلاعات با اوضاع و احوال عصر کنونی وفق دهد طبعا (1)-سلسله مقالاتی در این زمینه در شماره‏های بعد از نویسنده درج خواهد شد.

برای ارشاد نسلهای آینده حائز اهمیت و تأثیر فراوان خواهد بود.

ضمنا برخلاف سه طبقه ارواح مصرحه بالا اغلب اتفاق افتاد که یک روح سرگشته و آواره‏ با جلسات روحی مربوط و در یک حالت عصیان و بی‏خبری و لاقیدی هنوز هم منکر خدا و کتب‏ آسمانی و حتی مرگ خود بوده و شروع به کفر و ناسزا نسبت به کائنات نموده است.

اینک خلاصه اطلاعات مکتسبه از این طریق ذیلا باستحضار خوانندگان محترم میرسد و اضافه میکند مادامی که تطبیق این اطلاعات با اساس شریعت اسلامی محرز و مسلم نگردد طبعا برای خود نویسنده نیز بمنزله فرضیه‏های قابل بحث تلقی خواهد شد عالم غیر مرئی واقعا در همین‏ عالم مرئی و وصل به آن است و در ماورای حدودی که در دسترس ما قرار گرفته صور مادی و حیاتی‏ دیگری وجود دارند که ترقیات علمی همواره بیش از پیش بوجود آن پی میبرد

اینطور بنظر میرسد که خداوند تبارک و تعالی مشعل عقل و ارداه را هادی شاهراه‏ تزکیه نفس و ترقی و تعالی ما افراد بشر قرار داد ه و زندگانی هر فردی در این کره حاصل اعمال و رفتار او در زندگانی‏های گذشته و درعین‏حال پایه‏گذار مراحل بعدی روحی او خواهد بود. ارواحی که در ادوار مختلف زندگانی‏های مادی در حدود امکانات خود نیکی کرده و در مقابل‏ سیار ابناء بشر وظایف انسانیت را انجام داده باشند در زندگانی‏های آتیه خوشبخت و سعادتمند خواهند بود و همین آسایش بنوبه خود بمنزله امتحان است زیرا بطور قطع و یقین‏ نتیجه اعمال خود یابد هر شخص در زندگانی بعدی او مؤثر خواهد شد.

هر فرد انسانی پس از طی مراحل عالیه ترقی و تکامل روحی در این کره خاکی(مانند انبیاء و اولیاء و امثال آنها)بنابر مشیت الهی با جسمی لطیف‏تر از این جسم سنگین و ضخیم مادی‏ که فعلا روح ما در داخل آن قرار گرفته در کرات پیشرفته دیگری پیدا و ناپیدا و از زندگی‏ آسوده‏تر و مرفه‏تری برخوردار خواهند بود و این ترقی و تعالی که مدت آن با اختیار وارده‏ و طرز رفتار هر روح و همچنین با مراحل تزکیه نفس و ترقیات غیر محدود روحانی ارتباط دارد الی غیر النهایه ادامه خواهد داشت.

نردبان صعود و ترقی دارای سطوح و طبقات متوالی است که روی یکدیگر قرار گرفته و در هریک از این طبقات ارواحی وجود دارند که قدرت و سرعت ارتعاشات روحی و وسایل‏ موجودیت آنها شبیه بهم بوده و با توجه به معتقدات اصولی و ترقیات معنوی به گروه‏های‏ مختلفی در همان طبقه تقسیم و بطورکلی همدیگر را شناخته و باهم مرتبط میباشند ولی چون‏ سرعت ارتعاشات روحی موجودات طبقه مافوق عالی‏تر و لطیف‏تر و رقیق‏تر از طبقات مادون است‏ لذا ارواح طبقه پائین‏تر قادر به رویت و ارتباط با آنها نیستند مگر اینکه خود ارواح طبقه بالاتر مایل به برقراری رابطه با ارواح طبقات مادون باشند.

خطاهای زندگانی جسمانی در عالم دیگر موجب محدود شدن آزادی روح میشود زیرا افکار و اعمال بد گذشته در اطراف روح مقصر ایجاد سیال تاریکی میکند که متدرجا متراکم و ضخیم شده و بمنزله یک محبس تاریک او را همواره معذب نگاه می‏دارد.

مشقت تنها مدرسه‏ای است که احساسات را لطیف نموده تفقد و مروت و توکل و شفقت‏ و مقاومت بر سختی‏ها و پایداری را بهر ذیروحی یاد می‏دهد.علاقه به مادیات و لذایذ شهوانی شخص‏ را از ترقی بازمیدارد و برعکس از خودگذشتگی و فداکاری ما را از این لفاف ضخیم نجات داده‏ برای صعود به محل بالاتری آماده و مهیا میکند.

عقیده مربوط به وجود مخلوقات انسانی در کرات دیگر کاملا صحیح است زیرا منظومه‏های‏ شمسی بیشمار در عالم خلقت وجود دارند که اغلب آنها از عالم شمسی ما مفصل‏تر و مخلوقات‏ سیارات تابعه از نور و حرارت آن شموس برخوردار هستند.تمام عوامل مسکونی دارای وضع‏ واحد نبوده بلکه بعضی از آنها در شرایط بالاتر از این کره زمین و بعضی در شرایط پست‏تر قرارر گرفته‏اند.کره زمین ما جزو عوامل عالی محسوب نمی‏شود بلکه بمنزله دبستانی است که قسمتی‏ از مراحل ترقی و تکامل روحی در آن طی میشود و برای آنهائی که فاقد اراده و مرتکب خطایائی‏ شده باشند من حیث المجموعه محل زجر و مشقت و مکان تنبیه و مجازات محسوب میشود.

آنچه مسلم است کرات عالی‏تری در دستگاه آفرینش وجود دارند که ارواح سعادتمند و آنهائی که دوره‏های ابتدائی را بمرحله کمال رسانیده باشند در آنجا به عالم جسمانی لطیف‏تری‏ درآمده و مراحل عالی‏تری را بطور لایتنهای طی میکنند.در کرات عالی‏تر درجه ترقی افراد طوری است که جز اصل یکتاپرستی توام با پندار و گفتار و کردار نیک مذاهب و عقاید مختلف‏ دیگری وجود ندارد و در آنجا دیگر احتیاجی به نیروی نظامی و پلیس و وضع قوانین حقوقی و جزائی و نظایر آن نیست زیرا آنها کلیه صفات رذیله را از زندگانی‏های گذشته از خود دور کرده‏اند و پست‏ترین ساکنین آن کرات اداری بهترین شرایط زندگی نسبت به این کره ما هستند و به‏طورمثال هرگونه مرضی را با اراده رفع می‏کنند.شب‏ها احتیاج به چراژغ ندارند زیرا نوری‏ که از بدن آنها ساطع میشود اطراف خودشان را روشن میکند.آنها برای تغذیه بدنی احتیاجی‏ به خوردن غذا ندارند بلکه اغذیه آنها عبارت از سیالاتی است که در فضا پراکنده شده و با تنفس‏ و یا بوسیله خلل و فرج جلدی جذب و دفع میشود.

غلبه قانون بر ستمکاری و هرج‏ومرج که در اعصار گذشته حکمفرما بوده دلیل بر آن است‏ که روزبروز عقل و علم انسانی روبه‏ترقی رفته و بر اضداد خود فائق میشود و بالاخره روزی‏ خواهد رسید که افراد جامعه بشریت به حقیقت و فلسفه حیات و ممات پی‏میبرند و بهمان نسبت نظم‏ و ترتیب بیشتری در کره ارض برقرار میشود و بالنتیجه ترقیات روحی آن جامعه با قدمهای‏ سریع‏تری به جلو خواهد رفت.